**مسائل تاریخی زبان فارسی**

**نویسنده : ذاکری، مصطفی**

مسائل تاریخی زبان فارسی (مجموعه مقالات). دکتر علی‏اشرف صادقی. انتشارات سخن. تهران 1380. 302 صفحه.

یکی از کارهای خوبی که اخیرا رایج شده است گردآوری مجموعه مقالات دانشمندان و ادباست که در مجلات و مجموعه‏های مختلف پراکنده است و غالبا دسترسی به آنها آسان نیست. کتاب مورد بررسی یکی از این کارهای باارزش است.

آقای دکتر علی‏اشرف صادقی سالهاست که عمر گرانمایه خود را در راه بسط و اشاعه مسائل زبانشناسی، بویژه در زمینه زبان فارسی می‏گذراند و با احاطه‏ای که به اصول زبانشناسی و منابع و مآخذ بررسیهای زبانشناختی راجع به زبان فارسی دارد مقالات او همواره پر از نکته‏ها و ظرایف قابل مطالعه است که طبعا برای هر زبانشناسی که به مسائل زبان فارسی علاقه‏مند باشد ارزنده است.

کتاب مشتمل بر 21 مقاله است که در طول سی سال گذشته در مجلات و مجموعه‏های مختلف منتشر شده است. از این 21 مقاله، 10 مقاله در مجله زبانشناسی انتشار یافته که به سردبیری خودشان از اواسط سال 1363 در جزو انتشارات مرکز نشر دانشگاهی منتشر می‏شود. 4 مقاله در مجموعه‏هایی آمده است که حاوی سخنرانیهای ایرادشده در سمینارها و کنگره‏هاست و یا به یادبود اشخاصی نوشته و جمع‏آوری شده است. 2 مقاله در مجله نشر دانش، 2 مقاله در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، یکی در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد، یکی در راهنمای کتاب و آخری در نامه فرهنگستان چاپ گردیده است. قدیمترین آنها در 1349 و جدیدترین آنها در سال جاری انتشار یافته است.

این مقالات در چهار فصل تنظیم شده است: فصل اول راجع به مسائل آوایی در زبان فارسی است شامل هفت مقاله؛ فصل دوم مسائل دستوری فارسی را دربرگرفته و مشتمل بر چهار مقاله است؛ فصل سوم به مسائل لغوی فارسی در هشت مقاله پرداخته است؛ و آخرین فصل آن به مسائل متن‏شناسی در دو مقاله اختصاص یافته است. اینک نگاهی به اجمال به این مقالات می‏افکنیم:

1) ابتدا به ساکن: در مقاله اول مسئله «ابتدا به ساکن» در زبان فارسی مطرح شده و سابقه آن در زبانهای ایرانی کهن بررسی گردیده است. علمای ادب تصریح کرده‏اند که «ابتدا به ساکن» در فارسی و عربی متعذّر یا متعسّر است ولی آقای صادقی نشانه‏هایی در کتب مختلف یافته‏اند که در برخی لهجه‏های ایرانی و گونه‏های فارسی «ابتدا به ساکن» وجود داشته است و برعکس نشان داده‏اند که حتی در زبانهای ایرانی کهن (فارسی باستان و اوستا) و ایرانی میانه (پارتی و پارسی میانه) نیز شواهدی بر شکستن خوشه صامتهای آغازی وجود دارد و چگونگی تحول این امر در فارسی دری کهن و برخی لهجه‏ها نشان داده شده است.

2) برخورد دو مصوت: در فارسی وقتی دو مصوت در کنار یکدیگر قرار می‏گیرند معمولاً بین آنها صامتی افزوده می‏شود تا از ادغام آنها در یکدیگر ممانعت به عمل آورد، گرچه ممکن است این گونه صامتها بسیار خفیف تلفظ شوند. در این مقاله نخست به جنبه نظری این صامتها که به نام صامت میانجی خوانده شده‏اند در مکاتب مختلف زبانشناسی اشاره شده است از این لحاظ که آیا آنها ارزش واجی دارند یا نه. یعنی به کار بردن یا نبردن آنها تفاوت معنایی ایجاد می‏کند یا نه.

در تعریف صامت میانجی نوشته‏اند که «آن صامتی است که در روی زنجیر گفتار برای جداکردن دو مصوت به کار می‏رود که معمولاً اولی در پایان تکواژ قبلی و دومی در آغاز تکواژ بعدی قراردارد» (ص 25). این تعریف در مورد اکثر صامتهای میانجی که ذکر کرده‏اند صادق است اما در برخی مثالهایی که ذکر کرده‏اند این صامتهای میانجی در میان یک کلمه (یا به قول ایشان یک تکواژ) قرار گرفته‏اند، مانند: تآتر، سوئیس، سوئز و طاووس.

این مسئله نخست به صورت توصیفی یا همزمانی و سپس به صورت تاریخی یا درزمانی مطرح گردیده است. اما آیا از نظر همزمانی نمی‏توان برخی از صورتهای مورد بحث را به نحو دیگری توجیه کرد؟ مثلاً در فارسی علامت جمع «ـ آن» گاهی به صورت «ـ گان» می‏آید (زندگان، ستارگان) و نیز یاء پسوند مصدری گاهی به صورت «ـ گی» می‏آید (زندگی، بندگی). طبق توجیه این مقاله «aÎn ـ» پسوند جمع است و «ãÎـ» پسوند مصدری و گاف (g) صامت میانجی است که بین آنها و کسره «e» واقع در آخر کلمات زنده، ستاره و بنده قرار گرفته است. اما آیا نمی‏توان به طور ساده گفت که gaÎn ـ هم صورتی (آلومورفی) از «ـ آن» جمع است و gãÎ ـ هم صورتی از پسوند مصدری iـ می‏باشد؟ در این مقاله صورتهای محاوره‏ای زبان تهرانی در کنار صورتهای نوشتاری (یعنی زبانی که در نوشته‏ها به کار می‏رود و در محافل رسمی خوانده می‏شود) قرار گرفته است.

بررسی جنبه تاریخی (درزمانی) که در آخر مقاله آمده است بسیاری از مشکلات را حل می‏کند.

3) افزوده‏شدن غُنه پیش از حروف انسدادی: مقاله بعد به تعدادی کلمات فارسی پرداخته است که در متون مختلف یا در فرهنگها به دو صورت آمده‏اند و در یکی از آنها نونی به آنها اضافه شده است، مانند ابوکالیجار ـ ابوکالنجار، اسپیتمان ـ اسپنتمان، ویدیداد ـ وندیداد؛ و امثال آنها (حدود 20 کلمه) و تغییر مشابهی در برخی صور فعلی نیز مورد بحث واقع شده است. این فرایند در فارسی نمونه‏های دیگری هم دارد مانند افزوده‏شدن نون در تفنگ و فشنگ و امثال آنها.

4) تغییر جای تکیه در برخی کلمات: در برخی کلمات تکیه در قدیم بر روی هجایی قرار داشته که بعدا در تداول جای آن تغییر کرده است. مثالهایی که ذکر شده عبارت است از: فلانی، حالی به حالی، صدی، صبحی، عصری، خیلی، آری، دیگری، جائی (به معنای مستراح)، تخته نرد، تخمه کدو یا هندوانه، و قضاحاجتی.

در اینجا آقای صادقی به نکته جالبی اشاره کرده‏اند و حقیر هم مثالهای دیگری در فارسی یافته است که در آنها تکیه جای خود را تغییر داده است از قبیل: انگاری، پنداری، یعنی، بسکه، بلکه، متّکا، چه‏کار داری؟ (با تکیه روی کار)، سه تفنگدار (که چنان تلفظ می‏شود که گویی سه تفنگ + دار است نه سه+تفنگدار)، سلمانی (که در اصل به معنای سلمان بودن یا عمل سلمان را انجام دادن بوده است و اکنون تکیه روی حرف اول آن است) و امثال آنها. در مورد فلان و فلانی نیز اینجانب نظری دارد که این مقال گنجایش ذکر آن را ندارد.

5) تبدیل الف قبل از نون به واو: در فارسی محاوره‏ای به جای خانه، باران و نشان، معمولاً خونه، بارون و نشون می‏گویند. اما این قاعده یعنی تبدیل الف پیش از نون ساکن به واو عام نیست و در همه موارد صدق نمی‏کند، چنانکه پروانه را پروونه، مامان را مامون و دانشجو را دونشجو نمی‏گویند. در این مقاله سابقه این تغییر و چگونگی عملکرد آن (یعنی موارد تحقق و عدم تحقق آن) بررسی شده و نظر دیگران نقل و نقد گردیده است. البته مورد مشابه تبدیل الف قبل از میم ساکن به واو نیز در فارسی مشمول همین حکم است یعنی گاهی انجام می‏گیرد و گاهی نمی‏گیرد، مثلاً تمام را تموم می‏گویند اما حسام را حسوم نمی‏گویند. شاید بهتر بود این دو فرایند در کنار هم و با هم بررسی می‏شد. ضمنا در متون ایرانی میانه موارد دیگری از این تبدیل دیده می‏شود. مثلاً در یک متن مانوی فارسی میانه به جای دشمنان، چندبار دشمنون آمده است (نک. Mir Man II, p. 14) و در یک بیت سعدی هم قرینه‏ای هست که کاروان را به صورت کاروُن (KaÎravun) تلفظ می‏کرده است، چه آن را با کُن (Kun) قافیه (یا بهتر بگویم تسجیع) کرده است:

|  |  |
| --- | --- |
| من مفلسم در کاروان  | گوهر که خواهی قصد کن  |
| نگذاشت مطرب دربرم  | چندان که بستاند عسس  |

و در بیت دیگر که در هزلیات آمده است نیز خوابانیده را خوابُنید (xvaÎbunãÎd) تلفظ کرده است:

|  |  |
| --- | --- |
| خوابُنیدش به لطف بر زانو  | قُضی‏الامْرُ کَیْفَما کانوا  |

که نشان می‏دهد در زمان سعدی «aÎn ـ» در برخی موارد «un ـ» تلفظ می‏شده است.

6) تحول پسوند حاصل مصدر: یاء مصدری در کلماتی چون پشیمانی، زندگی و سستی ـ که به نام پسوند حاصل مصدر یا پسوند اسم معنی نامیده شده است ـ در فارسی میانه به صورت «ـ یه» (ãÎhـ) آمده است که در برخی متون عربی و فارسی بعد از اسلام به صورت هاء ماقبل مکسور «ih ـ» دیده می‏شود. سوابق این پسوند از دوره ایرانی میانه تا فارسی دری (یا فارسی کهن) در این مقاله بررسی شده است.

7) تلفظ پسوند «ـ بد»: «ـ بد» در کلمات سپهبد، هیربد، باربد و امثال آنها امروزه به ضمّ باء تلفظ می‏شود لکن در قدیم، شواهد حاکی از آن است که به فتح باء بوده است. سوابق این تحول نشان داده شده است.

8) پسوند «ـ ار»: در فارسی، در آخر برخی بنهای ماضی (و یکی دو بن مضارع استثنائا) با پسوند «ـ ار» مشتقاتی حاصل شده که برخی معنای اسم فاعل دارند، مانند خریدار، خواستار، پرستار و نمودار (=نشان‏دهنده) و برخی معنای اسم مصدری دارند مانند گفتار، رفتار و کردار و برخی نیز حتی به معنای اسم مفعول آمده‏اند مانند گرفتار (گرفته شده، اسیر) و مردار (مرده). این پسوند قیاسی نیست و از لحاظ معنا موضع روشنی ندارد؛ در حالی که در فارسی میانه این پسوند قیاسی بوده و به طور کلی اسم فاعل می‏ساخته است. چگونگی این تحول معنایی مورد توجه عده‏ای از ایرانشناسان خارجی قرار گرفته و هرکدام توجیهاتی برای آن ارائه کرده‏اند. عجیب است که این پدیده توجه خود ایرانیان را جلب نکرده است. به‏هرحال در این مقاله آراء مستشرقان مذکور نقل و نقد شده و سرانجام آقای صادقی دلیلی برای آن ارائه کرده‏اند که با شواهدی تأیید شده است.

9) افعال بی‏قاعده فارسی: در فارسی صرف فعل و ساختن مشتقات فعلی مبتنی بر دانستن دو بن است یکی بن ماضی و دیگری بن مضارع از هرفعل. اگر یک فرد خارجی بخواهد فارسی بیاموزد در مورد هر فعلی باید از هر دو بن آن مطلع شود. چنانکه در انگلیسی باید سه صورت از فعل را دانست. در مورد برخی از افعال رابطه میان دوبن در فارسی به صورتی است که دانستن یکی از آنها کافی است زیرا بن دیگر را می‏توان از روی آن پیدا کرد و آن عمدتا افعالی هستند که بن ماضی آنها با افزودن «ـ ید» به بن مضارع به دست می‏آید. البته برخی هم با افزودن «ـ اد» (مانند افتاد، فرستاد) یا «ـ ست» (مانند دانست، توانست و گریست) حاصل می‏شوند. در این مقاله سوابق نوع اول از این افعال از دوره فارسی میانه تا امروز بررسی شده است. پسوند «ـ ید» برای ساختن فعل از اسم و ساختن افعال ثانوی یا به اصطلاح جعلی (رِشت ـ ریسید، گشت ـ گردید، آشفت ـ آشوبید) نیز به کار می‏رود که در مقاله بعدی مورد بحث واقع شده است.

10) درباره چند لغت: در مقاله‏های یازدهم تا نوزدهم به بحث درباره تلفظ، معنا و کاربرد چند لغت (باز، بازانکه، چند، دیگر، ددیگر، باد شرطه، فقاع، سورآبادی یا سوریانی، جاسبی یا جاستی، اجاره‏نامچه و نظایر آن) و نیز درباره لغات فارسی دو کتاب که ایرانیان به عربی نوشته‏اند (کتاب التلخیص ابوهلای عسکری در لغات عربی و کفایة‏الطب حُبَیش تفلیسی در علم طب) بحث می‏کند و نکات گرامری، لغوی، فونتیکی و معناشناسی متعددی را مطرح می‏نماید. دو مقاله آخر کتاب به بحث درباره زبان تفسیر قرآن پاک (از نظر لغوی و گرامری) و درباره معرفی ام‏الکتاب (از کتب قدیم اسماعیلیه به فارسی) و نکات لغوی آن می‏پردازد.

روی‏هم رفته این کتاب برای زبانشناسان و ایرانشناسان و ادبا بسیار مغتنم و مفید است و امید می‏رود که سایر آثار آقای دکتر علی‏اشرف صادقی نیز به همین ترتیب منتشر گردد.